



## درس آیات الأمکام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۳/۲/۱۵

موضوع کلی: آیات الأحکام (خمس)

مصادف با: ۵ رجب ۱۴۳۵

موضوع جزئی: بخش سوم: صاحبان خمس

جلسه: ۲۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

یک نکته از بحث گذشته باقی مانده، این نکته را عرض کنیم و انشاء الله بحث جدید را مطرح کنیم. مسئله این بود که چرا لام بر سر سه عنوان اول آمده ولی بر سر سه عنوان بعدی نیامده؟ پاسخی را بعضی از بزرگان داده بودند که ما این پاسخ را نقل کردیم و به جهت اینکه مبنای این پاسخ محل اشکال بود مورد قبول واقع نشد.

### پاسخ دوم:

این پاسخ که تقریباً مورد پذیرش هم واقع شده و مشهور هم می باشد این است که از آنجا که یتامی و مساکین و ابن السبیل رأساً و مستقلاً خمس به آنها داده نمی شود، حالا یا از این باب که مستقیماً مالک نمی شوند یا حقی پیدا نمیکنند جز از طریق امام؛ یا از باب اینکه اگر هم مالک می شوند و حقی پیدا میکنند مسؤلیت توزیع سهم آنها به عهده امام است؛ به هر حال سهام این سه صنف چون به وسیله امام و به اذن امام باید بین آنها تقسیم شود به همین جهت لام بر سر آن سه عنوان نیامده، یعنی کأنی چون مستقیمه سهامشان به آنها داده نمی شود و از طریق امام و یا به اذن امام باید صرف آنها شود به همین جهت لام بر سر آن سه عنوان نیامده.

لله وللرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل؛ به همین جهت لام بر سر لله وللرسول و الذی القربی آمده و یتامی و المساکین و ابن السبیل بدون لام جر آورده شده اند. به نظر می رسد این جواب، جواب قابل قبولی است، چون این سه یعنی یتامی و مساکین و ابن السبیل به هر حال رأساً و بدون اذن ذی القربی، یعنی امام، بهره مند از این سهم نیستند، باید اذن امام باشد، چه ملکیت برای آنها قائل باشیم و چه نباشیم، به همین جهت است که این لام بر سر این سه تا نیامده است. سؤال: آیا سه تایی آخر یعنی اصناف ثلاثه ولایت در تصرف ندارند؟

سؤال:

استاد:

اختلاف است در اینکه آیا سه صنف اول مالکند یا ولایت دارند؟ که بیان کردیم حق این است که ولایت دارند، ملکیت به معنای ملکیت متعارف بین مردم که ملکیت اعتباری است برای خدا معنی ندارد و به همین جهت نمی توان به این نحوه ملکیت برای رسول و ذی القربی هم ملزم شد. همانطور که قبلاً اشاره شد؛ اما در مورد یتامی و مساکین و ابن السبیل این بحث مطرح است

که آیا اینها مالکند؟ یا نه ملکیت ندارند بلکه حق دارند، پس این اختلاف نظر هست، اینکه ما بخواهیم از آوردن لام بر سر سه تایی اولی استفاده کنیم که سه تایی اولی ولایت داند و اینها ولایت ندارند نمی توان این مطلب را گفت.

چون بالاخره این لام یا لام ملکیت است یا لام اختصاص، اگر گفته شد لام اختصاص است هیچ منافاتی ندارد که اختصاص به اینها داشته باشد و در عین حال ولایت هم نداشته باشد، اگر لام را ملکیت گرفتیم، آنوقت می توان گفت لامی که بر سر سه تایی اول آمده افاده ملکیت اینها را می کند و اینکه سر سه تایی دوم نیامده معلوم می شود ملکیت اینها مستقیم و بی واسطه نیست. این یک اختلافی اساسی است در مورد اصناف ثلاثه که آیا اینها مالکند یا حق دارند که در جای خودش باید مورد بررسی قرار گیرد. دو مطلب دیگر باقی مانده که لازم است بررسی شود.

### **نحوه شراکت ارباب خمس با مالک:**

یکی اینکه کیفیت شراکت سهام داران خمس با مالکان اموال چگونه است؟ چگونه صاحبان سهام نسبت به یک پنجم حق پیدا می کنند یا مالک می شوند؟ آیا ملکیت آنها به نحو اشاعه است کما هو المشهور یا به نحو کلی فی الذمه است یا به نحو کلی فی المعین؟ یعنی ارباب خمس و صاحبان خمس به چه کیفیتی با مالک شراکت دارند؟ در این رابطه سه نظریه وجود دارد:

#### **نظریه اول:**

مشهور قائلند به اینکه این شرکت به نحو اشاعه است، یعنی اینکه صاحبان خمس در جزء جزء آنچه که متعلق به مالک است، یعنی در عین مال به نحو اشاعه شریکند. اگر مثلا پولی باشد صد هزار تومان یا زمینی یا خانه ای باشد، در تمام اجزاء این خانه و آن پول و زمین، شراکت دارند، به نحوی که در هر جزئی یک پنجم متعلق به صاحبان خمس است و چهار پنجم متعلق به مالک است. اگر این مینا باشد قهرا تا زمانی که این خمس داده نشود حق تصرف در کل مال وجود ندارد، چون در همه اینها به صورت مشاع ارباب خمس سهیم هستند.

#### **نظریه دوم:**

بعضی این را به نحو کلی فی المعین می دانند یعنی از عین مال یک پنجمش مثلا یک تن گندم است که خمس آن دویست کیلو گندم است، آنچه که برای صاحبان خمس ثابت است دویست کیلو از عین مالی است که وجود دارد، لذا مالک این مال می تواند در این مال تصرف کند تا زمانی که دویست کیلو باقی بماند، یعنی اگر رسید به دویست کیلو دیگر حق تصرف در این مال را ندارد، اگر اشاعه بود اصلا حق تصرف نداشت ولی اگر به نحو کلی فی المعین باشد تا زمانی که مقدار خمس باقی می ماند می تواند در مال تصرف کند اما وقتی به آن مقدار رسید دیگر حق تصرف ندارد.

#### **نظریه سوم:**

یک نظر هم که بعضی از بزرگان مثل مرحوم سید (ره) در عروة به آن ملتزم شده اند این است که به نحو کلی فی الذمه می باشد. کلی فی الذمه یعنی اینکه ارباب خمس در عین مال با مالک شراکت ندارند بلکه به اندازه ارزش خمس این مال دین به گردن مالک است که باید بپردازد، یعنی ارباب خمس به اندازه یک پنجم از این مال و به عبارت دیگر به اندازه ارزش و مالیت

یک پنجم از این مال، مالکند یا صاحب حق هستند و به این اندازه در ذمه این شخص است که باید بپردازد. طبق این بیان محدودیتی در تصرف در این مال نیست، می تواند تصرف کند و می تواند همه این گندم را معامله کند، بفروشد و یا خودش مصرف کند ولی در ذمه او به اندازه مالیت و ارزش دویست کیلو گندم ثابت است که باید به عنوان خمس بپردازد. به هر حال این نحوه شرکت صاحبان خمس و صاحبان سهام در خمس مال با مالک است. حالا اینکه ادله کدام یک از این سه نظریه را اثبات می کند و حق در مسئله کدام است این هم باید در مباحث فقهی دنبال شود.

### **صاحبان سهام خمس:**

صاحبان سهام شش نفر می باشند: خدا و رسول و ذی القربی و سه صنف آخر. خداوند معلوم است و احتیاجی به توضیح ندارد، رسول هم که معلوم است، اما منظور از ذی القربی و یتامی و مساکین و ابن السبیل چه کسانی هستند؟ از صاحبان خمس عمدتا چهار عنوان باید شرح داده شود و مهم تر از همه ذی القربی است؛ در یتامی و مساکین و ابن السبیل مسئله روشن است و صرفا اختلافات جزئی وجود دارد مثلا آیا یتیم به کسی که مادرش را هم از دست داده شامل می شود یا نه؟ یعنی اختلاف عمده ای در آن سه عنوان نیست بلکه عمده اختلاف در مورد ذی القربی می باشد، اینکه مراد از ذی القربی کیست، نظرات در اینجا متعدد است. چند احتمال و چند نظریه داده شده، عده ای می گویند منظور خویشان و اقربای پیامبر است، عده ای می گویند امام معصوم است و نظریات دیگری وجود دارد که انشاء الله جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»